

الله أكبر
الحمد لله رب العالمين
الذي هدانا لهذا
والذي كنا لنهتدي لولا
أن هدانا الله
فالحمد لله رب العالمين
والصلاة والسلام
على سيدنا محمد
الذي هدانا لهذا
والذي كنا لنهتدي لولا
أن هدانا الله
فالحمد لله رب العالمين

به نام خدا

موضوع تحقیق :

قاچاق انسان

پروژه دات کام

www.Prozhe.com

صفحه	عنوان
5	قاچاق انسان
5	نگاهی به سیر تاریخی قاچاق انسان
6	مقدمه
11	قاچاق زنان در ایران از دوران قاجار شروع شد
13	اسناد موجود در مورد قاچاق زنان
14	علل قاچاق انسان و راههای پیشگیری از آن
14	بانکهای قاچاق دختران چگونه فعالیت می کنند؟
15	اشکال متفاوت قاچاق زنان و دختران در ایران
15	قاچاق زنان و دختران پاکستان
18	چرا به قوانین ضد قاچاق انسان نیاز است؟
18	علل و عوامل قاچاق انسان چیست؟
19	راههای پیشگیری از قاچاق انسان
21	قاچاق انسان ، جنایتی بزرگ علیه بشریت
22	قاچاق انسان در قرن 21 ، شش برابر قرن 17 و 19
22	قاچاق انسان جرمی بی قانون اما ...
24	اصولا پدیده قاچاق زنان در ایران چه پیشینه ای دارد؟
25	دلایل اجتماعی گسترده تر شدن ابعاد قاچاق زنان در ایران
25	در ایران از نظر قانونی با زنانی که با این شبکه ها همکاری می کنند چه برخوردی می شود؟
26	قانون مبارزه با قاچاق انسان
28	قاچاق انسان به ایالات متحده ، برده داری نوین در عصر تمدن
33	منابع

فهرست مطالب

قاچاق انسان و فحشای اجباری در ایران

قاچاق انسان

قاچاق انسان شکل نوینی از برده‌داری در دنیای مدرن است که شامل استخدام انسان‌ها، انتقال و دریافت آنها برای وادار کردن افراد به تن‌فروشی یا مجبور کردن به کارهایی سخت و طاقت‌فرسا در کارخانجات، رستوران‌ها، مزارع و دامداری‌ها و پروژه‌های ساختمانی است. قاچاق انسان پس از قاچاق اسلحه و مواد مخدر، سومین تجارت غیرقانونی در دنیا به شمار می‌رود. از انواع رایج آن قاچاق کودکان می‌باشد.

نگاهی به سیر تاریخی قاچاق انسان

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده، تقریباً از ابتدای دهه 1990 میلادی به ویژه پس از فروپاشی اتحادیه جماهیر شوروی بود که قاچاق انسان البته بیشتر قاچاق زنان در سطح جهان ابعاد گسترده‌ای یافت. به طوری که امروزه ژاپن و تمام کشورهای اروپایی و آمریکایی در امور واردات زن به صورت کالا و کارگر جنسی فعالیت دارند. در آلمان 10 هزار زن از شهروندان کشورهای چک، لهستان و بلغارستان بر خلاف میل خود در کلوپ‌ها و میخانه‌ها کار می‌کنند. همچنین بر اساس برآوردهای کمیسیون اروپا، سالانه 500 هزار زن و کودک به اروپای غربی قاچاق می‌شوند. (خبرگزاری فرانسه)

آنچه مسلم است در حال حاضر اگر قاچاق انسان رونق بیشتری از مواد مخدر و اسلحه نداشته باشد، کم رونق تر از آن نیست.

قاچاقچی زنان به کسانی اطلاق می شود که از طریق اعمال زور، باج خواهی، فریبکاری یا از طرق دیگر به بهره برداری جنسی یا سایر انواع استثمار زنان و دختران همانند کار اجباری، برداشتن اندام و ... اقدام می کنند.

تاریخچه قاچاق زنان برای فحشاء در دوران باستان نیز رواج داشته است. بر اساس اطلاعات و تحقیقات 56 اداره پلیس و 125 موسسه خدمات اجتماعی در کشور انگلستان میزان درآمد حاصله از فحشای کودکان بالغ بر دو میلیارد دلار است. کارشناسان شورای اروپا در گزارشی آماری درباره تجارت زنان اروپایی به عنوان بردگان هزاره سوم نشان می دهند که میزان درآمد ناشی از این تجارت سفید، سالانه تا 13 میلیارد دلار است.

آلمانی ها سالانه 35 میلیارد یورو خرج روسپی خانه ها می کنند که درآمد این تجارت بیش از تجارت هروئین است.

در آغاز قرن 19 فقط زنگیان یا سیاه پوستان در ایران برده بودند، در اوایل قاجاریه هنوز فروش برده متداول بود.

مقدمه

آگاهی و نگرانی در خصوص رشد فزاینده بازار جهانی برده داری جنسی در سراسر جهان در حال افزایش است. رسانه های دیداری و شنیداری، اینترنت و مجلات زنان، در ایران و سراسر جهان درباره ظلم ها و بی عدالتی های قاچاق انسان و فحشای اجباری در ایران بسیار سخن گفته اند با توجه به گزارش روزنامه شرق در ۲۶

می، خبرگزاری خبرنگاران جوان با برگزاری میزگردی در همین رابطه، اعلام کرد که، ۲۸۶ زن در فجیره امارات متحده عربی به حراج گذاشته شدند. در این نشست، یک خلبان ایرانی که در خطوط هوایی امارات متحده کار می کند، مصطفی بن یحیی _ اعلام کرد به طور متوسط ده تا پانزده دختر، هر روز از طریق نه پرواز منظم و بیست پرواز غیر منظم از ایران به دبی فرستاده می شوند. بعلاوه، جسد سه تا پنج دختر به صورت ماهیانه به دولت ایرات تحویل داده می شود.

پروفسور دونا ام. هیوز، صاحب کرسی کارلسون ان دود برنامه مطالعات زنان در دانشگاه رود آیلند گزارش می دهد که "با توجه به اظهارات یک منبع رسمی در تهران، فحشا در میان نوجوانان دختر دارای یک رشد ۶۳۵ درصدی بوده است و تنها در تهران، شمار زنان و دختران مشغول به فحشا ۸۴۰۰۰ نفر بر آورد شده است که تعداد زیادی از آنها در خیابان ها کار می کنند و در حدود ۲۵۰ فاحشه خانه بنابر این گزارش در شهر فعال است. از آنجایی که، برآورد دقیق آماری امکان پذیر نیست، این اعداد نمی تواند گویای ابعاد واقعی مسئله باشد. با در نظر گرفتن این نکته که، این آمار حرفی از تعداد زنان فروخته شده در بازار برده داری جنسی در خارج از ایران نمی زند. این صورت مشمئز کننده بهره کشی فقط محدود به زنان بالغ نمی شود، بلکه نوجوانان را نیز در گیر کرده است. بنابر اظهارات عالی ترین مقام قضایی استان تهران، قاچاقچیان به دنبال فروش قربانیان در بارازبین المللی فروش دختران بین ۱۷-۱۳ سال هستند و حتی گزار شهایی از فروش دختران بین ۱۰-۸ هم وجود دارد. دختران کم سن اغلب مجبور به کارهای پیش خدمتی هستند و اندکی بعد تاجران برده دار آنها را برای کار به مثل ها، هتل ها و کلوب های شبانه می برند.

شمار زیادی از زنانی که به دنبال یافتن منبع در آمد بهتری هستند، اغلب اوقات با وعده های اغوا بر انگیز کارهای سود آور فریب داده می شوند. اینها اکثرا در نهایت مجبور به فحشا می شوند. تاجران برده اکثرا زنان را در استخرهای شنا، باشگاه های ورزشی و حتی مدارس دولتی شناسایی می کنند و پیشنهاد کارهای پر پول خارج از خانه و خانواده معمولا به عنوان مدتی آنها را به و سوسه می اندازند. گاهی و در صورت اقتضاء، آنها قرارداد ازدواج موقت را بین خود منعقد می کنند که در واقع و به لحاظ ماهیتی خود نوعی از فحشاست. قراردادهایی که مدتشان گاه به ۲۴ ساعت می رسد.

در بعضی از موارد زنان ربوده شده و سپس به کار (اجباری) در فاحشه خانه ها یا خارج از کشور می شوند. در سال ۲۰۰۳، هزاران نفر از این زنان پس از زلزله ویرانگر بم، بی خانمان شدند و بسیاری از دختران یتیم این فاجعه، خیابان ها دزدیده شده و وارد حلقه رده داری جنسی شدند. بعلاوه، قاچاقچیان انسان، طعمه های خود را از میان دختران نوجوان فراری که تعدادشان در تهران به ۲۵۰۰۰ نفر تخمین زده می شود، انتخاب می کنند. تعدادی از زنان جوان که مجبور به فحشا می شوند، کسانی هستند که توسط والدینشان فروخته می شوند.

علل پنهان معضل قاچاق انسان پیچیده و چند چهره است. والدینی که فرزندان دختر خود را به قصد فحشا می روشتند غالبا معتادان به مواد مخدر هستند. همانطور که خبرگزاری فارس گزارش می دهد، رئیس انجمن علمی آسیب های اجتماعی در ایران، معتقد است که "بیش از ۵۰ درصد از مردم ایران به طور مستقیم یا غیر مستقیم در گیر مواد مخدر هستند". با توجه به گستردگی معضل اعتیاد در ایران بعضی از والدین معتاد به قصد تامین نیاز مواد خود، اقدام به فروش فرزندان خود می کنند. فراری ها و زنان (آسیب دیده) به دلایل متعدد اجتماعی و مسائل شخصی و درگیری های روحی از ایران می

گریزند. ناامیدی آنها خود را در آخرین آمارهای منتشر شده از خودکشی‌ها در ایران نشان می‌دهد.

دبیر کل مسائل اجتماعی استان کهگیلویه و بویر احمد اعلام کرد که میزان خودکشی‌ها در سال ۲۰۰۳ نسبت به سال پیش با رشد ۴۶ درصدی روبرو بوده است. بعلاوه، ۷۴ درصد از خودکشی‌های موفق از این تعداد متعلق به زنان بوده است و این در حالی است که تعداد دقیق خودکشی‌ها همچنان نا معلوم باقی مانده است و می‌توان حدس زد که آمار واقعی به مراتب بالاتر از آنچه اعلام شده باشد. مسئله‌ای که سایت پیک ایران با اشاره به این می‌نویسد که، ۹۰ درصد از این زنان را افرادی بین ۱۷-۳۵ سال تشکیل می‌دهند. چهره‌های متعددی از دانشگاهیان، سیاستمداران و جامعه‌شناسان ایرانی اذعان دارند که این معضل نتیجه غیر قابل انکار فقر گسترده و کمبود فرصت‌های آموزشی برای زنان است. شکاف بین فقیر و غنی در ایران در حال گسترش است. با نرخ ۴۳ درصدی بیکاری زنان که ۵۳ از کل جمعیت فقیر را تشکیل می‌دهند، بسیاری از زنان جوان تحت فشار برای پذیرش یک شغل یا ازدواج اجباری هستند.

پاسخ حکومت ایران به این سری از معضلات جدا ناکافی است. هیچ ساختار حقوقی برای جلوگیری از این مشکلات خاص وجود ندارد و مشکلات فنی-حقوقی بسیاری از این گریزهای قانونی به ویژه در عقد‌های ازدواج موقت (صیغه یا متعه) را تشدید می‌کند. بسیاری از ایرانیان طرح این مسائل را، اتهام یا شایعه و توهینی به شان ملی یا افترا بی‌حکومت تلقی می‌کنند. حکومت اعلام کرده است که هرگز اجازه چنین جابجایی (قاچاق) را نمی‌دهد و این در حالی است که، اعضاء کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد بارها قطعنامه‌هایی را علیه آنچه قاچاق گسترده انسان خوانده می‌شود، صادر کرده‌اند.

گزارشهایی نیز از تنبیه و مجازات این دسته از زنان رسیده است. قربانیانی که به واقع انتخابی جز فحشا نداشته اند.

در این میان حتی گزارشهایی نیز وجود دارد که گویای بهره جویی خود حکومت از این تجارت ضد انسانی است. در این راستا، حکومت از برخورد قانونی جدی با فساد پلیس خوددار کرده و سوء استفاده از پناهگاههایی که برای این دسته از زنان در نظر گرفته اند را پنهان کرده است و این خود به ابعاد مسئله کمک کرده است و بهشت امنی را برای فراری ها به وجود آورده است.

این معضل دارای ریشه های بین المللی و محلی است. برخی از جامعه شناسان و دانشگاهیان روند جهانی شدن را منبع اصلی فقر نکبت بار در ایران می دانند. آنتونی گیگینز معتقد است که، شرکت های جهانی از طریق تضعیف خرده بازرگانی های محلی به یک نوع مدرن از امپریالیسم اقتصادی دامن زده است. با توجه به شکاف های نه تنها میان فقرا و ثروتمندان بلکه، میان کشورهای فقیر و غنی، جهان سوم خود مقصد برده داری شده است. در این بین، سازمان ملل نیز جهانی شدن را عامل مهمی در افزایش فقر در جهان سوم اعلام کرده است. اعضاء سازمان ملل متحد "پیش نویس قطعنامه ای را در خصوص جهانی شدن و پیامدهای آن بر برخورداری کامل از حقوق بشر" تهیه کرده است.

در تقابل با این ادعا که جهانی شدن را مقصر می داند، شماری از گروههای مدافع حقوق زنان و سازمان های دموکراتیک، بر این باورند که سخت گیری ها و محدودیت های افراطی است که فقر را به وجود می آورد و بهره کشی از زنان را تسهیل می کند. محدودیت هایی که در واقع همان نقض حقوق زنان است. گروههای مدافع زنان همچون کمیته ملی برای یک ایران دموکراتیک، گزارش می دهد که بسیاری از نوجوانان فراری و زنان فریب داده شده با وعده های شغلی خوب خارج از ایران، در واقع فراریانی هستند

که از سخت گیری های محبوس کننده افراطی در کنار مسائل شخصی و یا خانوادگی مجبور به فرار می شوند. این دسته دختران در خانه مورد فشار توهین و محدودیت های خانگی هستند و خانه برای آنان سر پناه امنی نیست. در غیر اینصورت نیز محکوم به زندگی همراه با بهره کشی یا نوع دیگری از توهین ها هستند.

اگر صحت چنین گزارشها و شاخص هایی ثابت شود، رفاه، امنیت و آینده زنان در ایران در معرض خطر جدی است. در یک سطح فردی- شخصی، مشکل می تواند با توسعه پناهگاههای امن واقعی و مراکز مشاوره بهبود پیدا کند. در حال حاضر مراکز مشاوره ای که زنان درگیر مسائل خانوادگی، شخصی یا رابطه ای را حمایت کند، وجود ندارد. در یک سطح ملی، افزایش در قاچاق انسان گویای ناکافی بودن اقدام و پاسخ حکومت برای این معضل است. و در یک سطح بین المللی، یک همکاری مرزی موثر تر بین کشورهای مبدا و مقصد قاچاق و گسترش همکاری های امنیتی مطلوب است. از همه مهمتر اینکه، در قلب چنین آمارهایی _اقتصادی، اجتماعی و سیاسی_ یک بحران انسانی خود را نشان می دهد.

امکان برده داری جنسی که توهین آمیز ترین و بهره جویانه ترین شکل اجبار است نه مسئله ای تنها تراژیک و غمبار که متأسفانه موضوعی واقعی است.

قاچاق زنان در ایران از دوران قاجار شروع شد

قاچاق زنان در ایران منحصر به عصر حاضر نیست و اسناد تاریخی به جای مانده حکایت از قاچاق زنان ایرانی در دوره قاجاریه دارد.

3 هزار سند درباره قاچاق زنان در ایران در اسناد کتابخانه ملی وجود دارد که از این میان حدود 40 سند مربوط به دوره پهلوی دوم و سایر اسناد مربوط به دوره قاجاریه و پهلوی اول است.

در آغاز قرن 19 فقط زنگیان یا سیاه پوستان برده بودند. در اوایل قاجاریه هنوز فروش برده متداول بود، با وجود قانون منع خرید و فروش برده در کشورهای خلیج فارس، باز هم در اوایل مشروطه گزارش هایی درباره خرید و فروش دختران قوچانی داده شده است. در تاریخ آمده است که در اوایل مشروطه از آصف الدوله، والی خراسان درباره قاچاق دختران این منطقه سؤال می کنند و او در دادگاه محکوم می شود. این اتفاقات در دهه اول مشروطه روی می دهد که دوره اغتشاش است. امین الدوله درباره این دوره می نویسد: «ایران در این دوره فقط هرج و مرج بود.» ضعف دولت چنان بود که 12 کابینه در دوران جنگ جهانی اول سرکار آمدند. از طرفی نظام سیاسی جدید باب میل حکمرانان قدیمی نبود و آنها خود عاملان آشوبها بودند.»

در قبل از مشروطه امکان سوا استفاده دختران به علت اضافه مالیات گیری بیشتر شد. سیستم مالیات گیری طوری بود که معدی مالیاتی که دهخدا یا کدخدا بود هر چه می خواست از رعایا می گرفت. بعد از مشروطه و شروع جنگ جهانی اول، حضور کشورهای خارجی در ایران در وضع زنان بسیار تاثیرگذار بود، مخصوصا از آن جا که ژاندارمری توسط مشاوران سوئدی اداره می شد.

دهه اول مشروطه در بم و نرماشلی، از توابع سیستان و بلوچستان، خرید و فروش دختران رواج داشته و فیروز فرمانفرما از ابراهیم خانی نام می برد که از برده فروشی اکراه نداشت.

در بم و نرماشی خرید و فروش دختران آزاد بود. حکام هم در این مساله كاملا مداخله داشتند. در منطقه سيستان كه بخش و سيعی از آن به افغانستان واگذار شده و خشك و بی آب بود، این خرید و فروش نوعی درآمد زایی به همراه داشت. با بررسی اوضاع کشور در آن دوره مشخص می شود كه خرید و فروش دختران در بخش شرقی، حتی بین حکمرانان و مرزداران آزاد بود. فشار اقتصادی چنان بود كه خانواده های فقیر دختران خود را به حکمرانان یا افغان ها می فروختند. به این امر هم اصلا رسیدگی نمی شد. حتی امروزه هم می توان این تساهل را مشاهده كرد. ما باید برای جلوگیری از این پدیده، ریشه های تاریخی آن را بازشناسیم تا با آن مقابله كنیم.

اسناد موجود در مورد قاچاق زنان

«سند شماره 1 نشانگر این است كه افغان ها زنان طبقات پایین منطقه سيستان را خریداری کرده و در افغانستان می فروختند. آنها دختران این منطقه را به بهانه ازدواج می بردند و پس از ازدواج، آنها را طلاق داده و به دیگران می فروختند.

سند شماره 2: طبق این سند به كارگزاری سيستان دستور داده شده است كه زن ایرانی با مرد افغانی ازدواج نكند. مگر اینکه افغان ها تابعیت ایرانی داشته باشند. این مساله در قائنات بیشتر از هر جای دیگر رواج داشته است.

سند شماره 3، نصیرالدوله گزارش می دهد كه خرید و فروش كه رواج دارد و به آن اشاره می شود، نفی قانون بین المللی است.

در سند شماره 4 نصیرالدوله با وزارت امور خارجه مكاتبه می كند و منع این مساله را تاکید کرده و تنبیهاتی برای افراد در نظر گرفته می شود.

قاچاق زنان در آن دوره زمانی خاص و به علت جنگ های اول و دوم جهانی، در همه دنیا بسیار رایج بوده است. از جمله به سرنوشت زنی اشاره کرد که نخستین بار در اروپای شرقی به 150 دلار فروخته شده بود و پس از 18 بار خرید و فروش در آمریکا به قیمت 5 هزار دلار به فروش رسیده بود.

علل قاچاق انسان و راههای پیشگیری از آن

قاچاق انسان یکی از جرایم سازمان یافته جهان است که پیشگیری از آن نیاز به فعالیت های گسترده ای دارد.

گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس به نقل از سایت "نیویورک آنتی هیومن ترافیکنگ" حاکی است، پدیده قاچاق انسان یکی از جرایم سازمان یافته است که زندگی بسیاری از مردم به خصوص زنان و کودکان را به شدت تهدید می کند.

باندهای قاچاق دختران چگونه فعالیت می کنند

گزارش سازمان دفاع از قربانیان خشونت نشان می دهد، سن قربانیان در شماری از موارد حتی کمتر از 14 سال است. این صغر سن نشان دهنده میزان آسیب پذیری کودکان دختر در برابر جرم قاچاق و اهمیت برخورد سریع و وسیع با چنین پدیده شومی است.

یکی دیگر از وظایف این دلان، ایستادن در کنار سفارتخانه ها و ادارات کاریابی و دادن پیشنهاد کار پردرآمد به کسانی است که به دلیل اطلاعات کم یا احتیاج به یافتن شغل، سریعاً جذب چنین افرادی می شوند. گروه دیگری که در معرض خطر قرار دارند، افراد کم سواد و کم اطلاع هستند که در مناطق روستایی ساکنند.

وی تاکید می کند، حتی گاهی دیده شده است دلال ها برخی دختران کم سن و سال را با پرداخت پول به والدینشان ویا وعده زندگی بهتر به عقد ازدواج خود در آورده و سپس به قاچاقچیان انسان در خارج از کشور تحویل می دهند.

در سال های اخیر نوع جدید تری نیز به روش های اغفال دختران و زنان افزوده شد که حاصل مدیرینزه شدن جوامع از جمله جامعه ما می باشد و آن از طریق اینترنت است. به طور مثال اتاق گفت و گو یا اصطلاحاً چت روم یکی دیگر از راه هایی است که دلالان از آن برای اغفال دختران و زنان استفاده می کنند. به این ترتیب که ابتدا از طریق گفت و گوی تایپی، گاهی شنیداری و دادن تصویر خود، طرح دوستی با آنان را می ریزند و سپس با وعده ازدواج، کار خوب، درآمد بالا و حتی فرستادن بلیط و ویزا برای دوستان فریب خورده خود آنان را به کشور مورد نظر هدایت کرده و در آنجا تحویل قاچاقچیان می دهند.

اشکال متفاوت قاچاق زنان و دختران در ایران

بطور کلی پدیده قاچاق زنان و دختران به دو شکل متفاوت در کشور قابل ملاحظه است؛ قاچاق زنان به پاکستان، کشورهای حاشیه خلیج فارس و از همه مهمتر امارات متحده عربی.

این تقسیم بندی بدین جهت صورت می گیرد که هر کدام از اشکال بالا نوع به دام کشیده شدن قربانیان قاچاق، طریق انتقال آنها و شرایط زندگی پس از قاچاق قربانیان از یکدیگر متفاوت و در نهایت هر کدام نیز ما را به نتایج متفاوتی خواهد رساند..

قاچاق زنان و دختران به پاکستان

بر اساس این تحقیقات قاچاق زنان در استان های خراسان و سیستان و بلوچستان، در واقع استان های همجوار کشور با پاکستان و افغانستان رایج است. بر اساس گزارش ماهنامه خواندنی و گزارش جامعی که توسط کمیته زنان سازمان دفاع از قربانیان خشونت به همراه یکی از کارشناسان بهزیستی در سفر خود به مشهد تهیه شده، شیوه کار قاچاقچیان به این صورت بوده است که دختران را از خانواده هایشان که غالباً در شرایط نابسامان اقتصادی به سر می برده اند، خواستگاری نموده به عقد خود در می آوردند و سپس آنها را به خانه های فساد در پاکستان که به خرابات موسومند می فروختند. (بر اساس این گزارش یکی از مناطق حاشیه نشین مشهد (قلعه ساختمان) از مناطق مبتلا به این پدیده است.

بر اساس گزارش های فوق قاچاقچیان، خانواده های فقیر را شناسایی می کردند و با معرفی خود به عنوان اهالی زاهدان که صاحب مال و مکتبی نیز هستند دختران را از خانواده هایشان خواستگاری می کردند.

این دختران همراه آنها به زاهدان انتقال می یافتند و در شهرهای کویته، کراچی و راولپندی به کنیزی و یا روسپی گری کشانده می شدند.

متأسفانه اخیراً پدیده فروختن دختران توسط خانواده هایشان یا شوهرانشان در شهرهای مختلف مرزی ابعاد نگران کننده ای پیدا کرده است. مطابق بررسی هایی که انجام شده، همه افراد قربان اولاً هیچگونه آگاهی از قاچاق شدن خود نداشته اند. در واقع همه قربانیان به صورت کاملاً رسمی ازدواج کرده بودند و تنها چند روز بعد از ازدواج همراه با اجبار، زور، تهدید و فریب و نیرنگ به زاهدان و سپس پاکستان انتقال داده شده بودند.

دوما، همه قربانیان از وضعیت بوجود آمده اظهار ناراضایتی می کردند و خواهان بازگشت به ایران و خانواده های خود بودند.

سوما، همه قربانیان از طریق صیغه، ازدواج موقت، ازدواج کرده بودند و عدم ثبت رسمی عقد آنها در این شکل یکی از معضلات اساس بود.

چهارما، برای بازگرداندن آنها در اغلب موارد خانواده های قربانیان و از طریق سفارت ایران در پاکستان اقدام کرده بودند.

پنجم اینکه به گفته قربانیان عدم حفاظت و نگهداری کامل از مرزهای شرقی کشور دلیل عمده ای برای سهولت کار قاچاقچیان بود.

ششم، اغلب قربانیان هیچ پولی بابت کار جنسی خود دریافت نمی کردند و معمولاً خانواده شوهران آنها تمام پول را دریافت می کردند. آنها در بدترین شرایط زندگی قرار داشتند. قربانیان اغلب از خانواده هایی بودند که در حاشیه شهر زندگی می کردند. دچار فقر بسیار شدید بودند.

2- قاچاق زنان و دختران به امارات متحده عربی

معمولاً دختران که به امارات متحده عربی (دوبی) قاچاق می شوند بین 10 تا 16 سال سن دارند و برای دو مناسبت عمده عید فطر و عید قربان منتقل می شوند. انتقال آنها به دو شکل است: الف- عده ای از آنها بطور رسمی خواستگاری می شوند، به نام شیوخ بزرگ عرب و درازای پرداخت مبالغی به خانواده شان از مرز عبور داده می شوند. ب- عده دیگر دخترانی هستند که برای این منظور ربوده می شوند و بدون اجازه پدر و مادر از کشور خارج می شوند.

اگر شیوخ عرب در مراسم حفله دختران را برای همسری بپسندند مشکل زیادی وجود ندارد. مشکل از زمانی بوجود می آید که دختران وارد شده توسط شیوخ مورد استقبال

قرار نمی‌گیرد، بنابراین افراد وارد بازار کار شده و به روسپی‌گری در کلویها و کاباره‌ها مشغول می‌شوند.

تفاوت عمده‌ای که این عده از دختران قاچاق شده با قربانیان قاچاق به پاکستان دارند، این است که اغلب اوقات ظاهراً قاچاق دختران با رضایت و آگاهی قربانیان انجام می‌شود. در واقع قربانیان از همان ابتدا از مقصد و نحوه کار خود آگاهی دارند. یک نوع رضایت ظاهری که البته به اعتقاد بسیاری از کارشناسان این رضایت ظاهری نمی‌تواند مانع از این امر شود که ما آنها را در زمره افراد قربانی قاچاق محسوب کنیم. در واقع این افراد قربانی شرایط نابسامان اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هستند.

دومین ویژگی این قربانیان این است که اکثر قریب به اتفاق قربانیان تمایلی به بازگشت به ایران ندارند. در واقع بیشتر آنها ترجیح در همان شرایط غربت و روسپی‌گری در دوبی بمانند به جای اینکه به ایران بازگردند.

چرا به قوانین ضد قاچاق انسان نیاز است؟

قاچاق انسان به ویژه زنان و کودکان یکی از جرایم سازمان یافته دنیا است که پس از قاچاق اسلحه و مواد مخدر در رده دوم قرار دارد.

به هر حال با فعالیت گسترده و جهانی مبارزه با قاچاق انسان می‌توان تا حدودی از وقوع این جرم پیشگیری کرد اما این امر مستلزم همکاری پلیس کشورهای جهان با یکدیگر است.

علل و عوامل قاچاق انسان چیست؟

در آمارهای مختلف جهانی خوانده‌اید که آفریقایی‌ها از جمله بیشترین افرادی هستند که در دام قاچاقچیان انسان گرفتار می‌شوند و تعداد قربانیان این کشور زیاد است.

تا به حال به علت قربانی شدن آفریقایی ها فکر کرده اید؟ فقر، گرسنگی، بیکاری یکی از مهمترین عللی است که آفریقایی ها را در دام قاچاقچیان انسان گرفتار می کند. بسیاری از جوانان آفریقایی به امید تشکیل زندگی بهتر و پیدا کردن کاری مناسب و پردرآمد به فکر مهاجرت به کشور های اروپایی می افتند اما این جز با مهاجرت های غیر قانونی امکان پذیر نیست. اینجا است که قاچاقچیان انسان در کمین آنها نشستند و با وعده های رویایی آنان را به دام می اندازند.

قربانیان با پرداخت مبالغ گزافی به سوی زندگی تازه شان حرکت می کنند ولی در میان راه قایق آنان که بیش از ظرفیت پر شده وازگون می شود و زندگی آنان در میان امواج دریا گم می شود.

بعضی از آنها نیز که خیلی شانس می آورند در نزدیکی ساحل در آب می افتند و پلیس کشورهایی که قصد مهاجرت به آنجا را داشتند این افراد را دستگیر می کند. به اسن ترتیب حبس ، پرداخت جریمه نقدی یا استرداد به کشور خودشان در انتظار آنان است. متأسفانه دسته ای از مهاجران غیر قانونی که در دام قاچاقچیان انسان گرفتار می شوند زنان و کودکان هستند که بدترین عاقبت نصیبشان می شود.

افکار قاچاقچیان انسان برای زنان و کودکان غیر از مردان است آنها نقشه های پلیدی برای این قشر دارند. بردگی جنسی سرنوشتی است که اغلب زنان و دختران جوان در این مهاجرت ها دچار آن می شوند.

علاوه بر فقر ، گرسنگی، بیکار و از این قبیل عوامل ادم ربایی به خصوص کودک ربایی نیز به قاچاق انسان منجر می شود.

بسیاری از قاچاقچیان انسان با ربودن افراد به خصوص کودکان در فکر فروش اعضای بدن آنها هستند و در نهایت مرگ در انتظار آنان است.

راه های پیشگیری از قاچاق انسان چیست؟

همانطور که گفته شد قاچاق انسان از جمله جرایم سازمان یافته است و مقابله آن به پلیس و ارگان های مختلف یک کشور محدود نمی شود بلکه به همکاری های جهانی نیاز دارد. سازمان های جهانی بهتر با فقر گرسنگی، بیکاری و ناهنجاری های اجتماعی که به مهاجرت و قاچاق انسان منجر می شوند مبارزه کنند.

مرزبانان کشور های مختلف باید نظارت بیشتری در رفت و آمد هایی که انجام می شود داشته باشند.

مرزهای دریایی که از مهمترین راهای عبوری قاچاقچیان انسان است به شدت کنترل شوند.

مقابله با مهاجرت های غیر قانونی به خصوص در کشور های چون اسپانیا که از راه های عبوری اصلی به اروپا محسوب می شوند شدت یابد.

ماهیت زنان و دختران جوانی که به صورت گروهی یا تک نفره در حال سفر هستند به دقت بررسی شود تا از بردگی جنسی و سودمندترین علت قاچاق انسان برای سردمداران آن پیشگیری شود.

در نهایت هم مهمترین راه پیشگیری از قاچاق انسان که وضع قوانین مجازاتی سنگین برای این دسته مجرمان است که کمتر شخصی به فکر قاچاق انسان بیافتد.

آنچه در این گزارش در باره علل قاچاق انسان آمد تنها بخشی از ناگفته های بسیار در رابطه با این جرم است و علت آن هام همان گستردگی این پدیده است.

گفتنی است، آفریقا تنها کشوری نیست که در این رابطه قربانیان زیادی می دهد، هند، تایلند، چین و فیلیپین نیز از جمله کشور هایی هستند که در زمینه قاچاق انسان قربانیان زیادی می دهند.

به عنوان مثال "مونا" دختر 13 ساله ای است که در کودکی پدر و مادر خود را از دست داده است و به خیابان گردی می پردازد تا شکم خود را سیر کند . او دزدی می کند و هرکس کاری به او پیشنهاد کند انجام می دهد . این دختر نوجوان تشنه محبت است و کوچکترین تشعشع محبت از هر شخصی و با هر فکری پلید و سالم او را جذب می کند.

چشمان قاچاقچیان انسان و برده فروشان به دنبال این سوژه ها است و مونا نیز از جمله کودکان بی سرپرست و آواره است که اسیر آنها شد و چندباری در خانه های فساد دیده شد و از آن پس هیچکس خبری از او نیافت!

جمع آوری کودکان بی سرپرست و خیابانی و تحت پوشش قرار دادن آنها از سوی مراکز دولتی مسئول یا ان جی او های مردمی می تواند هزاران کودک را از دچار شدن به سرنوشت مونا نجات دهد.

لازم به ذکر است کشورهای پیشرفته جهان نیز از این قاعده مستثنی نیستند. سالانه کودکان و نوجوانان آمریکایی بسیاری که کمتر از 12 سال سن دارند ا سیر قاچاقچیان انسان می شوند و به بردگی جسمی و جنسی گرفته می شوند.

قاچاق انسان، جنایتی بزرگ علیه بشریت

یکی از تبهکاری های سازمان یافته و جرایم جدیدی که به شدت امنیت بشر را تهدید می کند، پدیده تجارت انسان است که می توان از آن به عنوان برده داری و بردگی مدرن و جنایتی بزرگ علیه بشریت یاد کرد.

در حالی که شرع و عرف، تجارت کثیف انسان را عملی زشت می داند و آیات عظام بر لزوم برخورد دولت با پدیده شوم قاچاق انسان و ازدواج های اجباری که به واسطه این عمل صورت می گیرد، تاکید دارند باز هم شاهد وجود چنین تجارت های کثیفی هستیم.

کشور ایران، گرچه به لحاظ غنای دینی و ملی و استحکام نظام خانواده از مصونیت های در خور توجهی برخوردار است اما سودجویی باندهای تبهکار و برخی اخبار، همه ما را بر آن می دارد که بیداری و آگاهی بیشتری در این زمینه را مورد توجه قرار دهیم.

****قاچاق انسان در قرن 21، شش برابر قرن هفدهم است**

تعداد بردگان جهان در قرن 21، شش برابر قرن هفدهم است یعنی بالغ بر 20 میلیون نفر و زنان سهم عمده ای را در این تجارت کثیف دارند. تحلیلگران معتقدند که حجم عظیم قاچاق زنان در عصر حاضر چنان موجی را ایجاد کرده که در آن به عنوان بردگی معاصر با شکل مدرن یاد می کنند.

****قاچاق انسان، جرمی بی قانون اما...**

با توجه به نظارت آیات عظام مانند آیت الله سیستانی در مورد عقدهای اجباری که می فرمایند "عقد با اکراه و اجبار باطل است و فرزند حلال زاده نیست"، دولت باید با چنین پدیده ای مبارزه کند.

همچنین آیت الله مکارم شیرازی می فرمایند: بدون شک صحت عقدهای اینچنینی باطل است.

برخی از قوانینی که می توان برای قاچاق انسان با توجه به آن ها مصداق مجازاتی تعیین کرد، به شرح ذیل است:

1- برخی از موارد قانون گذرنامه: هر کس دیگری را به طور غیر مجاز از مرز عبور دهد یا موجبات عبور غیر مجاز دیگران را تسهیل یا فراهم کند، مجرم و قابل مجازات شناخته

می شود و در صورتی که عبور دهند، مخل امنیت بوده و محارب و مفسد فی الارض شناخته نشود به دو تا 10 سال حبس محکوم می شود.

2- آدم ربایی: اشد مجازاتی که می توان بر اساس قوانین برای قاچاقچیان انسان در نظر گرفت مصداق آدم ربایی است که بر طبق این قانون فرد به پنج تا 15 سال حبس محکوم می شود. به دلیل خلاء قانونی به این فرد اتهامی نظیر اخلال در امنیت داخلی نیز نسبت داده می شود که در این صورت رسیدگی به پرونده از صلاحیت عمومی خارج و به دادگاه انقلاب ارجاع داده می شود که قاضی حتی می تواند برای فرد قاچاقچی حکم اعدام در نظر بگیرد.

3- ورود غیر مجاز به خاک ایران که مجازاتی برابر یک تا سه سال حبس دارد.

4- فراهم کردن موجبات فساد و فحشاء در داخل و خارج از کشور با مجازاتی برابر 10 سال حبس.

5- رابطه نامشروع با حکمی در حدود 99 ضربه شلاق

6- استفاده از اسناد جعلی با مجازاتی از شش ماه تا سه سال حبس

7- بر اساس نظریه دیگری بر طبق ماده 47 قانون مجازات اسلامی هر گاه جرمی ارتكابی مختلف باشد برای هر یک از جرایم مجازات جداگانه در نظر گرفته می شود.

به گزارش خبرنگار ایسکانیوز، در مورد قاچاق انسان سه حالت وجود دارد: اول اینکه شخص قاچاق شده عالمانه و بدون اکراه مرتکب چنین عملی شود که در آن صورت فقط ماده 34 قانون گذرنامه به یک تا دو سال حبس و یا پرداخت جزای نقدی صد تا هزار تا 500 هزار ریال محکوم می شود. در حالت دوم، شخص قاچاقچی با فریب و حيله و به ظاهر با رضایت فرد قاچاق شده، شخص را با خود همراه می کند و حالت سوم که شخص قاچاقچی با وجود اکراه فرد قاچاق شده و با اجبار اقدام به قاچاق افراد می کند

که دو مورد اخیر مصداق آدم ربایی است و مجرم بر اساس ماده 621 قانون مجازات اسلامی قابل مجازات است.

این گزارش حاکی است حال با توجه به اصل 156 قانون اساسی که بیان می کند "یکی از وظایف قوه قضائیه پیشگیری از جرم است"، مشاهده می شود که نه تنها قانون مدنی برای مجازات عضویت افراد در سازمان ها و باندهای اجرا کننده قاچاق وجود ندارد بلکه مصداق هایی را که برای این جرم نیز در نظر گرفته شده حاکی از این است که عملاً قوه قضائیه قبل از ارتکاب این جرم اقدامی را برای پیشگیری انجام نمی دهند و بعد از وقوع جرم تا حدودی با آن برخورد می کند.

به گزارش خبرگزاری ایسکانیوز، مجموعه نظرات فقهی و حقوقی صاحب نظران در خصوص قاچاق انسان وظیفه قانون گذار را در تدوین قوانین لازم و وظیفه مسوولان ذیربط را در برخورد قاطع و جدی با عاملان کثیف سنگین تر می کند.

اصولا پدیده قاچاق زنان در ایران چه پیشینه ای دارد؟

قاچاق زنان و دختران که اسناد آن حتی از زمان قاجار و قبل از قاجار در ایران وجود داشته، چیزی است که از سالها پیش با شروع روابط خارجی ایران در کشور آغاز شده. بنابراین ما باید با این تصور پیش بیاییم که اتفاقی نیفتاده که این پدیده قطع بشود. این پدیده قبل از انقلاب هم در ایران وجود داشته، بعد از انقلاب هم به زندگی خودش ادامه داده. اما آن چیزی که خیلی باعث تعجب هست، این که، چگونه است که در سالهای اخیر علی رغم همه گزارش های جراید عمومی در باره این پدیده، ما مکرراً شاهد انکار حکومت جمهوری اسلامی بودیم. گاه صریحاً اعلام می شد که هرگز ایران مشکل قاچاق

زنان و دختران را نداشته. بنابراین یکی از مهم‌ترین علل، سرپوشی این قضیه بوده که در واقع باعث می‌شده که ما نتوانیم علاجه برای این درد اجتماعی بیاندیشیم.

دلایل اجتماعی گسترده‌تر شدن ابعاد قاچاق زنان در ایران چیست؟

دلایل متعددی می‌تواند داشته باشد. مثل دلایل اقتصادی، فشار بر زنان در ایران و باز هم مجدد اشاره می‌کنم به انکار این قضیه که باعث شد، ما این درد را نادیده بگیریم و اجازه بدهیم که در پیکره‌ی جامعه‌ی ایران به رشد خودش ادامه بدهد.

در ایران از نظر قانونی با زنانی که با این شبکه‌ها همکاری می‌کنند چه

برخوردی می‌شود؟

می‌دانید که زنان در همه جای دنیا یکی از مظلوم‌ترین قربانیان جرایم جنسی هستند. آنها هم قربانی این جرایم هستند و هم در صورت پیگیری چنین جرایمی به عنوان مجرم مجازات می‌شوند. مصادیق همین قضیه را ما در ایران هم می‌توانیم ببینیم. اولاً وقتی قضیه‌ی تجاوز نسبت به زنان مطرح می‌شود، اثبات آن بسیار دشوار است و گاه در قبال تمام مدارکی که به دادگاه ارائه می‌شود، یک نوع مقاومت مشاهده می‌شود، از سوی دادگاه‌هایی که ریاست آن چنانکه می‌دانید بر عهده‌ی مردان است. از طرفی دیگر در موارد دیگر تجاوزات خانگی به ویژه اگر متجاوز پدر باشد باز هم با مقاومت برای مجازات



مجرمین مواجه هستیم . در آن سوی سکه شما می بینید، اگر زنی برای پیگیری جرمی که علیه او صورت گرفته یعنی تجاوز جنسی اقدام بکند، آنچه که او اظهار می کند به عنوان اقرار علیه خودش با عث مجازاتش می شود و متجاوز یا مرتکب کافی است بیاید دادگاه و انکار کند.

بنابراین می بینید پیگیری این موضوع توسط قربانیان هم جز اینکه آنها را در معرض مجازات قرار بدهد، نتیجهی دیگری ندارد. مجموعهی این شرایط که شرایط حقوقی قضیه را تشکیل می دهد به انضمام مسائل اجتماعی که به آن اشاره کردیم، می تواند زمینه ساز چنین پدیده ای از سوی زنان باشد.

قانون مبارزه با قاچاق انسان

ماده ۱- قاچاق انسان عبارتست از :

الف — خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشاء یا برداشت اعضاء و جوارح، بردگی و ازدواج . ب — تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفاء فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود .

ماده ۲- اعمال زیر در حکم «قاچاق انسان» محسوب می شود: الف- تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد. ب- عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به طور سازمان یافته برای فحشاء یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هرچند با رضایت آنان باشد. ج- عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشاء هرچند با رضایت آنان باشد. ماده ۳- چنانچه عمل مرتکب «قاچاق انسان» از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازات های مقرر در قانون یادشده و در غیراین صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم

می شود

تبصره ۱- چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می شود

تبصره ۲- کسی که شروع به ارتكاب جرائم موضوع این قانون نماید لیکن نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد، به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد. تبصره ۳- مجازات معاونت در جرم «قاچاق انسان» به میزان دو تا پنج سال حبس حسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، خواهد بود

ماده ۴ — هرگاه کارکنان دولت یا موسسات، شرکتها و سازمانهای وابسته به دولت و نیروهای مسلح یا موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی یا به طور کلی کارکنان قوای سه گانه به نحوی از انحاء در جرائم موضوع این قانون دخالت داشته باشند، علاوه بر مجازاتهای مقرر در این قانون، باتوجه به نقش مجرم به انفصال موقت یا دائم از خدمات محکوم خواهند شد. ماده ۵ — چنانچه موسسات و شرکتهای خصوصی به قصد ارتکاب جرائم موضوع این قانون، ولو بانام و عنوان دیگری تشکیل شده باشند، علاوه بر اعمال مجازاتهای مقرر، پروانه فعالیت یا مجوز مربوط ابطال و موسسه و شرکت به دستور مقام قضائی تعطیل خواهد گردید. ماده ۶ — چنانچه «قاچاق انسان» توأم با ارتکاب جرائم دیگری تحقق یابد، مرتکب یا مرتکبان علاوه بر مجازات مقرر در این قانون، به مجازاتهای مربوط به آن عناوین نیز محکوم خواهند شد. ماده ۷ — هرتبعه ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرائم موضوع این قانون گردد، مشمول مقررات این قانون خواهد بود. ماده ۸ — تمامی اشیاء، اسباب و وسائط نقلیه ای که عالماً و عامداً به امر «قاچاق انسان» اختصاص داده شده اند به نفع دولت ضبط خواهد شد.

قاچاق انسان به ایالات متحده؛ برده‌داری نوین در عصر تمدن

اگرچه آمریکایی‌ها علاقه دارند مسأله برده‌داری در ایالات متحده را به عنوان موضوعی تاریخی بنگرند، اما با توجه به قاچاق سالانه بیش از ۱۰۰ هزار انسان به آمریکا که عموماً نیز زنان و دختران کشورهای در حال توسعه هستند، نمی‌توان این ادعا را پذیرفت. نویسندگان با اشاره به این مطلب که قاچاق انسان پس از قاچاق اسلحه و موادمخدر، سومین تجارت غیرقانونی در دنیا به شمار می‌رود، یادآوری می‌کند که این افراد علاوه بر

روسیگری باید به کارهایی سخت و طاقت‌فرسا در کارخانجات و رستوران‌ها و مزارع و دامداری‌ها و پروژه‌های ساختمانی و هتل‌ها تن دهند. نویسندگان با اشاره به فعالیت‌های گسترده سازمان‌های غیردولتی و اجتماعی در جهت توسعه آموزش‌های عمومی، افزایش مسئولیت‌پذیری ابرشرکت‌ها، بهبود قوانین فدرال و نظارت بر اجرای مقررات کنونی، معتقد است که بی‌تردید تلاش شرکت‌های تجاری برای کاهش قیمت تمام شده محصولات و خدمات خود، یکی از مهم‌ترین دلایل تداوم این اقدامات شرم‌آور در عصر حاضر است. ما آمریکایی‌ها علاقه داریم که به برده‌داری به عنوان موضوعی که تنها در کتاب‌های تاریخی وجود دارد، بنگریم. واقعه‌ای که گویی تنها در سال‌های دور، در مزارع جنوبی پنبه و کشتی‌های حامل برده‌های آفریقایی روانه شده به آمریکا وجود داشته است. فلورنسیا مولینا هم آرزو می‌کند که این چنین باشد.

در سال 2002 میلادی، مولینا، زن 30 ساله مکزیکی، مجبور شد که برخلاف میلش، در کارخانه‌ای واقع در کالیفرنیا جنوبی که به تولید پوشاک می‌پردازد، شروع به کار نماید. ساعت کار وی 5/30 صبح تا 11 شب است و در هفت روز هفته نیز باید کار کند. به علاوه او حق خروج از کارخانه و استحمام را نیز ندارد. او و یک زن مهاجر دیگر، شب‌ها باید در اتاقی تاریک و کوچک بر روی یک تخت بخوابند. آنها تنها یک وعده غذا در روز دریافت می‌کنند. نگهبان کارخانه نیز علاوه بر بدرفتاری‌های مختلف، آنها را با روش‌های مختلف تهدید می‌نماید. مولینا می‌گوید: "گویی در این کشور، سگ‌ها بیش از ما مهاجران، از حقوق مدنی برخوردارند."

مولینا یکی از ده‌ها هزار انسانی است که همه ساله از سایر کشورها برای کار اجباری به ایالات متحده، قاچاق می‌شوند. اکثر این زنان تبعه کشورهای اسالوادور، مکزیک، چین و ویتنام هستند. در هر کشوری که عطش یافتن کار مناسب و آینده‌ای بهتر وجود داشته

باشد، می‌توان چنین قربانیانی را یافت. از سوی دیگر، هیچ کشوری تمایل ندارد که آمارهای مربوط به قاچاق شهروندانش را فاش نماید. در سال 1999 میلادی، سازمان سیا تخمین زده بود که همه ساله 50/000 زن و کودک به آمریکا قاچاق می‌شوند. البته پس از روی کار آمدن دولت بوش، آنان این آمار را تا یک چهارم کاهش داده‌اند. به هرحال، مؤسسه پولاریس اعلام نموده که آمار مربوط به قربانیان قاچاق انسان به خاک آمریکا، بیش از یکصد هزار نفر در هر سال است.

امروزه برده‌داری مدرن، با هراس، سوءرفتارهای روانی، اعمال زور، شکنجه و یا تجاوز به عنف همراه است. حدود 80٪ این افراد را نیز زنان و دختران تشکیل می‌دهند. بدین ترتیب، پس از تجارت اسلحه و موادمخدر، این تجارت شیطانی با گردش مالی 35 میلیارد دلاری خود، به عنوان سومین کسب و کار پول ساز دنیای امروز شناخته می‌گردد. همه ساله 800/000 انسان در دام چنین شبکه‌هایی می‌افتند.

اما داستان زندگی مولینا غیرعادی نیست. او پس از جدایی از همسرش و برای یافتن سرمایه کافی جهت تأسیس یک مغازه خیاطی در زادگاهش، به همراه فرزند خردسال خود روانه آمریکا شد. پس از ورود، صاحب کارخانه با گرفتن گذرنامه و اوراق هویتش، به او گفت که در صورت خروج از کارخانه و مراجعه به پلیس، زندانی خواهد گشت. او که با دنیایی از امید روانه ایالات متحده شده بود، با مرگ آرزوهایش روبه‌رو گردید. چرا که او در تاریکی مطلق و بدون هیچ امیدی، باید بقیه عمر خود را بگذراند.

اگرچه اکثر آمریکایی‌ها با توجه به برنامه‌های رسانه‌های فراگیر خود، معتقدند که بخش اعظم برده‌داری در کشورشان در قالب روسپی‌گری اجباری انجام می‌گیرد، اما واقعیت

کاملاً متفاوت است. چرا که براساس گزارش مرکز حقوق بشر برکلی، تنها نیمی از این افراد به عنوان بردگان جنسی مورد سوءاستفاده قرار می‌گیرند.

بسیاری از این انسان‌ها به دوخت لباس‌های ما، برداشت محصولات مزارع، شدت‌شوی ظروف رستوران‌ها، تمیز کردن اتاق هتل‌ها و ساخت و ساز خانه‌ها و ادارات ما مشغولند. بسیاری از پیشخدمت‌های رستوران‌های ما هم همین مهاجران هستند.

در سال 2000 میلادی و به دنبال تلاش‌های گروه‌های فمنیستی، کنگره قانون حمایت از قربانیان قاچاق را تصویب نمود. ولی پس از گذشت سال‌ها از اجرایی شدن آن، ما همچنان با تغییراتی قابل توجه روبه‌رو نشده‌ایم. مثلاً پرداخت کمک هزینه‌های ایالتی و فدرالی به این افراد، منوط به مهاجر بودن آنان شده است.

امروزه حتی در سایه قوانین کلیساهای تعدادی از ایالت‌ها، قربانیان تجاوزات جنسی، حتی حق استفاده از کاندوم را نیز ندارند. در این زندگی جهنمی، زنان و دختران باید به تن فروشی بپردازند. اما در مقابل، عملکرد نیروهای پلیس و سیستم قضایی ایالات متحده بسیار سؤال برانگیز می‌باشد. چرا که در سال گذشته، تنها 639 پرونده در مورد قاچاق انسان در دادگاه‌های ایالات متحده مورد بررسی قرار گرفته است.

خانم کترین چن از اعضای هیأت مدیره مؤسسه Polaris Project می‌گوید: "امروزه بسیاری از این قربانیان، باید سوار بر تاکسی‌های قاچاقچیان، تن‌فروشی کنند. هر چند بسیاری از ما هرگز با مشاهده زنانی که به راحتی در شهرهایمان در حال تردد هستند، تصور نمی‌کنیم که آنان قربانیان تجارت انسان هستند."

از سوی دیگر، بسیاری از این انسان‌های قاچاق شده باید به کارهایی طاقت‌فرسا و طولانی در کارخانجاتی دورافتاده بپردازند. مثلاً تنها در واحدهای صنعتی ایالت فلوریدا، هم اینک بیش از 100/000 کارگر اسپانیایی زبان، بدون کمترین امکانات رفاهی به کار مشغولند. از دید بسیاری از کارشناسان، وجود این شرایط شرم‌آور و غیرانسانی می‌تواند به عنوان آزمونی برای سنجش کارایی قوانین کنونی و خواست مسئولان قضایی برای ایجاد اصلاحات به شمار آید. نکته دیگر این است که در دادگاه‌های ایالات متحده، هنوز هم از قوانین فدرال در حوزه مجازات روسپیگری و پاندازی، برای عاملان چنین سوءاستفاده‌هایی از این افراد قاچاق شده، استفاده نمی‌گردد. ضمناً مجازات‌های کنونی هم بسیار ضعیف و کم‌اهمیت است.

خانم نیورث از فعالان در حوزه مسایل زنان می‌گوید: "ما تلاش می‌کنیم که دامنه مسئولیت وجود این قربانیان در جامعه خود را تا افرادی که در خیابان‌ها به دنبال خرید یک زن برای انجام سکس با او هستند، گسترش دهیم. البته خوش‌بختانه تعدادی از ایالت‌های ما نیز تلاش می‌کنند که اصلاحاتی را در این زمینه انجام دهند."

در این سنجش، یکی از نیازهای مهم ما، گسترش آموزش‌های عمومی برای شهروندان و همچنین آموزش‌هایی تخصصی برای نیروهای امنیتی و پلیس فدرال است. نیازی که از سوی بنیاد زنان اقلیت (ناشر مجله MS)، تشخیص داده شده و آنان همکاری‌های نزدیکی با مسئولان ما دارند. از سوی دیگر، سفارتخانه‌های کشورهای که به عنوان مبداء قاچاق انسان شناخته می‌شوند، باید ضمن همکاری با مسئولان فدرال، در جهت شناسایی و تأمین حقوق این قربانیان، محدود کردن تعداد آنان و همچنین پی‌گیری سرنوشت آنها، تلاش بیشتری کنند.

امروزه ما به دنبال چیزی بیشتر از قوانین مناسب و اجرای خوب این قوانین هستیم. ابرشرکت‌هایی که به دنبال کاهش قیمت تمام شده کالاهایشان هستند، باید در برابر سوءاستفاده از این افراد، پاسخگو و مسئولیت‌پذیر باشند.

خانم جولی ای.سو، بنیان‌گذار "دیده‌بان فروشگاه‌های پوشاک لوس‌آنجلس" می‌گوید: "اگر مدیران این فروشگاه‌ها ادعا نمایند که از واقعیت‌های فراسوی تولید محصولات عرضه شده بی‌اطلاع هستند، به هیچ‌وجه چنین اظهاراتی قابل پذیرش نخواهد بود. یکی از دلایل مهم و اساسی در روند رو به گسترش قاچاق انسان به ایالات متحده، استفاده از کارگرانی ارزان قیمت و فاقد اتحادیه و پشتیبان قانونی است تا بتوانند کالاهایی ارزان و کم هزینه تولید کنند."

خانم سو و همکارانش تاکنون از چندین ابرشرکت صنعتی ایالات متحده در مراجع قضایی شکایت نموده‌اند. وی معتقد است که بدون آگاهی‌های عمومی از وجود چنین سوءاستفاده‌هایی، نمی‌توان با این شرایط شرم‌آور، مبارزه‌ای تمام عیار داشت.

اکنون زمان آن فرا رسیده که برای پایان دادن به این برده‌داری مدرن، گام‌های بزرگی برداشته شود و توسعه آموزش، بهبود قوانین، نظارت مؤثر بر اجرای مقررات کنونی همراه با مبارزه با قاچاقچیان انسان، مهم‌ترین اقداماتی است که روبروی ماست.

منابع :

. قاچاق انسان به ایالات متحده

نویسنده: ربکا - کلارن برده‌داری نوین در عصر تمدن.

باشگاه اندیشه به نقل از ماه نامه - سیاحت غرب - شماره ۵۹. بازدید در تاریخ ۱۶ سپتامبر

۲۰۰۸.

برگرفته از دو سایت:

<http://www.farsnews.com/newstext.php>

<http://www.if-id.de/New/index.php>